



گرب کمونیست کارگری - حکمیت

۷ مرداد ۱۳۹۰  
۲۹ ژوئیه ۲۰۱۱

آذر مدرسی

### جزیره مرگ قتلگاه جوانان چپ

طی یک هفته گذشته میلیونها انسان در سراسر دنیا با چشمان ناباور شاهد لحظه به لحظه یکی از وحشیانه ترین کشتارها در نروژ بودند. بمبگذاری در مرکز شهر اسلو و قتل عام وحشیانه بیش از ۸۰ جوان و نوجوان در جزیره اوتویا، "جزیره مرگ!"

جزیره اوتویا جزیره ای شناخته شده برای اتحادیه های کارگری اسلو و سازمانهای چپ در نروژ، در عرض ۹۰ دقیقه به حمام خون و قتلگاه جوانانی تبدیل شد که برای شرکت در مدرسه تابستانی سازمان جوانان حزب کارگر به آنجا رفته بودند.

میلیونها نفر با دیدن تصاویری وحشتناک و دلخراش از جوانان بی دفاع و بیگناهی که به خون آغشته شده و یا هراسناک برای نجات جان خود به دریا پناه برده بودند یا در میان صخره های جزیره سنگر گرفته بودند، در دلهره، هراس، خشم و شوکی که به مردم در نروژ وارد شد سهیم شدند. تعقیب کردن کل صحنه های دلخراش این جنایت و سنگدلی غیر قابل تصور قاتل، بدون ریختن اشک و سهیم شدن در درد و غم کسانی که فرزند خود را در این ترور برنامه ریزی شده از دست دادند غیر ممکن بود.

اما یک هفته پس از این فاجعه اذهان مردم نروژ و دنیا یکبار دیگر متوجه خطر

صفحه ۳

## انتخابات مجلس نهم جدال در درون حاکمیت

جدال مجدد در درون هیئت حاکمه و همه جناحهای جمهوری اسلامی حول بساط "انتخابات" شروع شده است. جدال اسلامیت یا قانونیت، وعده های دروغین "انتخابات واقعی، آزاد، سالم" و شرط و شروطها و اولتیماتومهایی که کل جناحهای دلسوز "نظام" در مقابل هم قرار میدهند، قرار است با هدف تحمیل سناریوی ضد مردمی باشد که در خدمت حفظ و تداوم حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی است. کارگران و مردم به وضوح میدانند، آنچه در جمهوری اسلامی تحت نام "انتخابات" اتفاق می افتد، در ضدیت با حقوق و منافع آنها و صحنه تجدید آرایش نیروی جناحهای مختلف

بورژوازی است. این بار نیز دور دیگری از اختلافات درون هیئت حاکمه ایران، بسیار پیش از باز شدن مسئله تقسیم کرسی های مجلس، با نافرمانی احمدی نژاد از اوامر ولی فقیه، آغاز شده بود. و امروز باز شدن مسئله تقسیم کرسی های مجلس و تجدید آرایش در صفوف هیئت حاکمه، تعمیق و هر روز دامنه آن گسترش مییابد.

تخاصمات اخیر میان جناحهای جمهوری اسلامی، آغاز دور دیگری است از درگیری های حاد، هم در صفوف حاکمیت، و هم در صفوف اپوزیسیون بورژوازی، در داخل و خارج کشور، بر محور "ولی فقیه" شکل گرفته است.

نیروهای سیاسی در حال حاضر چگونه است؟

**فاتح شیخ:** مساله اساسی هر انقلاب مساله قدرت حاکمه در کشور است. بیش از شش ماه از شعله ور شدن "انقلاب ۲۵ ژانویه" مصر و پنج ماه و نیم از سقوط مبارک میگذرد و این مساله اساسی از نقطه نظر رهبران و فعالین کارگری و جوانان انقلابی که نیروهای اساسی و رادیکال انقلاب مصر بودند هنوز حل نشده است. قدرت سیاسی همچنان در دست همان طبقه و همان هیات حاکمه است که زمان زمامداری مبارک حاکم بودند. مبارزه طبقاتی، اهرم نیرومند پیشبرد انقلاب مصر، پس از بزیر کشیدن مبارک (۱۱ فوریه) هم به اشکال جدید و در صیفندی سیاسی کاملاً متفاوت با ۱۸ روز قبل از

### گفتگو با فاتح شیخ

### ادامه جدال طبقاتی در مصر

**کمونیست هفتگی:** انقلاب در مصر بعد از رفتن مبارک و تحولات متعاقب، وارد فاز جدیدی شد. صف نیروهایی که خواهان رفتن مبارک بودند، بعد از رفتن مبارک از هم پاشید، طبقه کارگر و مردم محروم خواهان ادامه انقلاب و رسیدن به مطالبات خود شدند که برایش به میدان آمده بودند، بورژوازی ناراضی و احزاب آن، تلاش کردند با رفتن مبارک اتمام انقلاب مصر را اعلام و مردم را به خانه های خود بفرستند. سوال این است که این سیر به کجا رسیده است؟ صف بندی

### ویروس "انتخابات" جمهوری اسلامی و مصونیت جامعه

(تلخیصی از مصاحبه رادیو پرتو با رحمان حسین زاده)

دور و بر و یا اروپایی با این معیارها در چارچوب جمهوری اسلامی خبری از "انتخابات" نیست. این بساط انتخاباتی که جمهوری اسلامی راه میاندازد عرصه کشمکشها، و جدالهای درونی جناحهای دلسوز نظام و تقسیم قدرت میان آنها، با نقطه عزیمت مشترکشان برای حفظ حاکمیت بورژوازی و جمهوری اسلامی است. در چارچوب منافع، سیاست و کشمکش جناحهای بورژوازی و جمهوری اسلامی و برای آنها "انتخابات" است. اما از زاویه کارگر، مردم و آزادیخواهان و از زاویه کسانی که خواستار یک ذره بهبود سیاسی و اجتماعی در آن جامعه هستند نام این را نمیشود انتخابات گذاشت. این سناریو را انتخاب نامیدن توهین به

## کارگران جهان متحد شوید!

امروز بار دیگر هر "نک و ناله" و گروکشی این وزیر و آن مقام امنیتی سابق، هر شکوه و معامله گری این آیت الله فرصت طلب و آن سید ناراضی، در میان اپوزیسیون بورژوازی خارج از قدرت، روزنه امیدی جدیدی باز کرده است. مجدداً سمفونی گوشخراش و نسیم مهوعی در میان این اپوزیسیون تقاله، برای انطباق خود با دسته بندیهای جدید قانونهای قدرت، براه افتاده است.

این بار و در دل جدالهای امروز، در جلوی صحنه شخص ولی فقیه، مقام و موقعیت و قدرت او قرار دارد. و انواع گروهبندیهای اپوزیسیون و اپوزیسیون بورژوازی، در داخل و خارج کشور، بر محور "ولی فقیه" شکل گرفته است.

ترکش اختلافات در درون خانواده، دامان بستگان و فرزندان خود را نیز گرفته است.

صفحه ۴

آن ادامه یافته است. محور اصلی مبارزه طبقاتی در مصر پس از مبارک، در یک سو ادامه انقلاب توسط نیروی کارگران و جوانان انقلابی و در سوی مقابل تلاش برای متوقف کردن انقلاب توسط شورای عالی ارتش و کل اردوی ضدانقلاب بورژوازی متشکل از احزاب قدیم و جدید بورژوازی بوده است. معنی عملی بزیر کشیدن مبارک، حذف راس نظام استبداد سیاسی آن کشور بود نه در هم شکستن خود آن نظام. ماشین دولتی و ستون فقرات آن ارتش دست نخورده باقی ماند. شورای عالی ارتش و ارتجاع بورژوازی شامل طیف وسیع احزاب بورژوازی که تا غروب ۱۱ فوریه در صف اپوزیسیون بودند بلافاصله پس از سقوط مبارک، تلاش خود را بر حفظ ماشین

صفحه ۲

شعور انسانها و ابتدایی ترین معیارهای آزادیخواهی است. کارگر و مردم و ما این بساط را "انتخابات" نمیدانیم و هیچ منفذ و جایی برای هیچ درجه از اراده مستقل کارگر و مردم و شهروند آزاد آن جامعه در آن وجود ندارد و به این معنا نباید در آن شرکت کرد و باید به آن پشت کرد و آن را افشا و منزوی کرد.

**رادیو پرتو:** سوال مهمی که اینجا مطرح میشود این است که چرا باید به این پروسه پشت کرد؟ پروسه ای که در تمام جامعه مورد مباحثه است. در انتخابات قبلی آزادی تجمعات عملاً در کوچه و محلات برگزار شده بود. چه جوری میتوان این تحول را طرد کرد؟ آیا این به معنای از دست دادن یک فرصت سیاسی مناسب نیست؟

**رحمان حسین زاده:** بنظرم به این پروسه سیاسی ایداً نباید بی تفاوت بود. من بحث اینست که باید خیلی روشن

صفحه ۳

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## ادامه جدال طبقاتی

دولتی و حفظ بنیادهای سرمایه داری در برابر تعرض کارگران و جوانان انقلابی متمرکز کردند. البرادعی با بیان آرزوی بورژوازی مصر اعلام کرد که با سقوط مبارک باید اوضاع سریعاً عادی شود تا سرمایه مجدداً به مصر رو بیاورد. مثال عریانتر میدان دادن ارتش به جنبش اسلامی شامل اخوان المسلمین و سلفیها و ایستادن تمام قد این جناح راست افراطی بورژوازی مصر در خط مقدم جبهه ضدانقلاب بورژوازی علیه پیشروی کارگران و جوانان انقلابی بود که با مبارزات خود در "دفاع از اهداف انقلاب ۲۵ ژانویه" نیروی اصلی بسط دستاوردهای انقلاب و تنها نیروی ادامه انقلاب بوده اند. یک بار دیگر تجربه شد که بورژوازی حاکم برای غلبه بر هر بحران و انقلابی دست و دلبازانه به فاکتور ارتجاع دینی میدان میدهد و از آن مدد میطلبد.

که در سطح جامعه مقبولیت یافته است، تعیین حداقل دستمزد کارگران در سطح حدود ۲۷۰ دلار) و حداکثر حقوق مسئولان دولتی و خصوصی در سطح ده برابر این حداقل است. این مهر طبقاتی برجسته ای است که مبارزات و اعتصابات کارگری تا همینجا به انقلاب مصر زده است.

در تلاش برای سد کردن موج فزاینده اعتصابات کارگری، شورای عالی ارتش سریعاً با یک "فرمان" اعتصاب را "غیرقانونی" و ممنوع اعلام کرد. همچنین متن اصلاحات اولیه قانون اساسی شامل ممنوعیت تشکیل احزاب طبقاتی! را با شتاب از فرماندهان گذراند که هدف آن جلوگیری از تشکیل احزاب کارگری و کمونیستی است. تلاشهای ضدانقلابی و ضدکارگری شورای عالی ارتش توسط اخوان المسلمین، جریانات اسلامی و احزاب بورژوازی حمایت شد. این درحالی بود که مخالفت فعالین کارگری، جوانان انقلابی و جریانات چپ مرتبط با آنها از توان بسیج نیروی کافی برای ناکام گذاشتن این تلاشها برخوردار نگشت. بااینحال در عمل ائتلاف ارتش و اخوان المسلمین و شرکا، نتوانسته است مبارزه و پیشروی کارگران و جوانان انقلابی را متوقف کند، برعکس فشار این مبارزات، شورای عالی ارتش و کابینه و بوروکراسی و دستگاه قضایی را گام به گام به عقب نشینی و امتیاز دادن مکرر واداشته است. ازجمله در همان هفته های اول، کابینه ژنرال احمد شفیق باقیمانده از دوره مبارک و ادار به کناره گیری شد و عصام شرف از فعالین میدان تحریر به جای او کابینه جدیدی تشکیل داد. این کابینه هم بخاطر اینکه وزرایی از "حزب وطنی" دوران مبارک و سرمایه داران در آن شرکت داشتند با اعتراض انقلابیون روبرو شد. همچنین محاکمه علنی سران رژیم سابق شامل حسنی مبارک و پسرانش و همه آنهایی که در کشتار مردم در روزهای انقلاب دست داشتند در دستور دستگاه قضایی قرار گرفت. به این ترتیب انقلاب در دو جبهه اصلی نبرد طبقاتی: اول علیه فلاکت اقتصادی و برای بهبود معیشت کارگران و دوم دفاع از آزادی اعتصاب و آزادیهای سیاسی و در جهت کنار گذاشتن مقامات رژیم مبارک ادامه یافته است.

در سه هفته اخیر (از ۸ ژوئیه تا کنون) موج جدیدی از تحرک انقلابی برافزایده که با برپایی تجمع و تحصن مجدداً چهره انقلابی میدان تحریر را زنده کرده است. این تحرک انقلابی توسط تشکلهای جوانان انقلابی و پیشاپیش آنها "حرکت ۶ آوریل"، فعالین

کارگری، احزاب چپ در حال تاسیس، و شماری از جریانات لیبرال شکل گرفته است. اخوان المسلمین در تظاهرات ۸ ژوئیه شرکت کرد اما عصر همان روز به خط قبلی خود به عنوان نیرویی مخالف هر تحرک انقلابی و مدافع همه تلاشهای ضدانقلابی شورای عالی ارتش برگشت. مقاومت سه هفته اخیر نیروهای مدافع انقلاب در برابر تهدیدات شورای عالی ارتش موجب عقب نشینی های آشکار و پی در پی ارتش و تحمیل تغییراتی به کابینه عصام شرف شد. در روزهای اخیر این تحرک انقلابی رو به فروکش رفته و عملاً در برابر یک آزمایش جدی در روز جمعه ۲۹ ژوئیه قرار گرفته است که در آن اخوان المسلمین و سلفیها به یک نمایش قدرت ضدانقلابی دست میزنند. تحرک انقلابی جدید حول هفت خواست مشترک ازجمله: تعیین حداقل و حداکثر حقوق، لغو قانون منع اعتصاب، محاکمه علنی مبارک و سران و مسئولان رژیم سابق، لغو محاکمه فعالین انقلابی در دادگاههای ارتش، آزادی زندانیان سیاسی و لغو شرایط فوق العاده شکل گرفته است.

**کمونیست هفتگی:** در دوره اخیر و در فضای انقلابی که تا کنون در مصر جریان داشته، شاهد عروج تشکلات مختلف کارگری، فعالیت علنی احزاب و جریانات چپ بوده ایم. موقعیت طبقه کارگر در این تحولات در حال حاضر چگونه است؟ دستاوردهای طبقه کارگر چه بوده و موانع و معضلات پیشروی آن چیست.

**فاتح شیخ:** موقعیت طبقه کارگر در انقلاب جاری مصر موقعیت متناقضی است. در حالیکه نقش و وزن مبارزه طبقاتی کارگران مصر در این انقلاب اساسی و تعیین کننده است و این یک نقطه قوت بسیار جدی است، اهداف مبهم فعالین و رهبران کارگری در این انقلاب و غیاب برنامه و استراتژی معطوف به انقلاب کارگری در مسیر تداوم انقلاب هم نقطه ضعف بسیار جدی آن است. بطور مثال شعار تاکنون غالب در فضای مبارزات کارگری "آزادی و عدالت اجتماعی" است. ترجمه عملی این شعار عام و پرابهام در مبارزات روزمره محدود ماندن به خواستههای اقتصادی و واگذاری عرصه سیاست به احزاب بورژوازی و لیبرال چپ است. ابهام این شعار در شرایط مشخص انقلاب جاری مصر به اخوان المسلمین بعنوان یک شاخه از جناح راست بورژوازی مصر امکان داده که با انتخاب نام جدید "حزب آزادی و عدالت" در صدد اشاعه توهم در صفوف طبقه کارگر و جلب آراشان

در انتخابات پارلمانی آتی برآید. البته با تحرک انقلابی جدید سه هفته اخیر، ماهیت راست افراطی اخوان المسلمین و دیگر جریانات اسلامی و موقعیت و موضع واقعی آنها علیه انقلاب کارگران و توده های انقلابی و آزادیخواه به درجه زیادی افشا شده است. این یک فعالین و رهبران کارگری است که امکان میدهد صفوف خود را آگاهتر و متحدتر کنند و با دید و افق طبقاتی روشن تری به استقبال مصافهای آتی و نبردهای طبقاتی پیش رو بروند. در حال حاضر وزن اعتصابات و مبارزات کارگری باعث شده است که فشار جنبش طبقه کارگر بر همه جریانات چپی که دست اندر کار سروسامان دادن برنامه ای و سازمانی خود هستند محسوس و ملموس باشد. در عین حال طیفی از پیشروترین رهبران و فعالین کارگری که هم در صفوف گرایش رادیکال و سوسیالیست طبقه کارگر درگیر سازماندهی مبارزات و اعتصابات جاری فعال و بانفوذ هستند و هم خود را با کمونیسم و مارکسیسم تداعی میکنند در تلاش سروسامان دادن و انسجام بخشیدن به صفوف خود و شکل دادن به سازمانهای توده ای کارگری هستند. این تحرکی بسیار امیدبخش است که شایسته گرمترین یاری و همفکری کمونیستی است.

صفحه ۴

## زنده باد جمهوری سوسیالیستی

## ویروس "انتخابات"

پایه این را میریزیم که اتحاد داشته باشیم، تشکل داشته باشیم. در محیط های کارگری مجامع عمومی داشته باشیم. دنبال حقوق خود باشیم. از این سر باید خیلی حساس و دخالت گرانه برخورد کرد. به این معتقدیم که انتخابات فقط روز انتخابات نیست. چند ماه مانده و این پروسه شروع شده است. یک جدال جدی سیاسی در جامعه است. جمهوری اسلامی و سرانش میخوانند از الان به صف خود شکل دهند و مردم را پای صندوق بکشند در مقابل آزدیخواهان و کمونیستها و طبقه کارگر هم میتوانیم به صف متفاوت خودمان شکل دهیم. به هر نسبت بخشهای وسیعتری از شهروندان جامعه را قانع کنیم که این بساط را از آن خود ندانند و نهایتاً پای صندوق رای نروند، پیروز شدیم. این جدالی است که از حالا تا اسفند ماه موعد برگزاری انتخابات وجود دارد. ما باید بتوانیم محدودیت ها

که سران جمهوری اسلامی دارند بحث انتخاباتشان را پیش میکشند، در صورتیکه یک کلمه از منفعت کارگر و مردم گشایش سیاسی و فرهنگی خبری نیست. صحبت از سعادت و تامین معیشت نیست. تمام صحبت شان این است که چگونه این لایه و آن لایه از اصلاح طلبان را دخالت دهند. آقای احمدی نژاد را ادب کنند که در پروسه انتخابات درست عمل کند. به قول مهره هفت خط سیاسی چون رفسنجانی "انتخابات آزاد" یعنی اینکه نیروهای وفادار به "قانون اساسی و نظام" باید شرکت کنند واقعیات را باید روی میز گذاشت. در کارخانه، در محله و دانشگاه باید گفت که بساط انتخاباتی را شروع کرده اند و کل تبلیغاتشان بیگانگی و ضدیت کامل با منفعت کارگر و مردم است. در نتیجه ما هم خودمان را آماده و آگاه میکنیم. این بساط را از خود نمیدانیم. از همین الان

## جزیره مرگ

نازیسم بوده، میدهد. میدبای نوکر طبق معمول بعنوان بلندگوی ارتجاع یکصدا از "برویک" بعنوان "تفنگچی دیوانه" نام میبرند تا جنبشی که "برویک" به آن تعلق دارد را مصون نگه دارند. "برویک" عنصر افسار گسیخته با ظرفیت جناتکارانه جنبشی است که کامرون ها، مرکل ها، سارکوزی ها، اوباما ها در راس آن اند.

سران دولتی، "سیاستمداران"، میدبا و لشگری از "محققین و کارشناسانی" که خود تئوریزه کننده، خط دهنده و منشاء راسیسم و ورژن فوکول کراواتی "برویک" اند، کسانیکه هر روزه از بلندگوی دولت و میدبا خطر گسترش مهاجرت و پناهندگی را "خاطر نشان" میکنند، با آمار و ارقام متکی بر تحقیقات خود میزان "بالای" جنایت در میان مهاجرین به جامعه یادآوری میکنند. کسانیکه خطر رشد کمونیسم در میان جوانان ناراضی و مقابله با آنرا تحت عنوان چپ افراطی را مدام جار میزنند، یکبار به یاد مقابله با "بیگانه ستیزی" افتاده اند. این شارلاتانهای سیاسی حتی از نام بردن از راسیسم، نازیسم و نئونازیستها ابا دارند.

"برویک" و برویکها بر شانه این قدرتگیری راست ارتجاعی رشد کرده و میکنند. بی دلیل نیست "فرانسيسكو اسپرونی" یکی از وزرای سابق "برلوزکونی" رسماً از قتل عام نروژ بعنوان "تلاشی برای دفاع از تمدن غرب" دفاع میکند.

کشتار ۲۳ ژوئیه نروژ زنگ خطری برای کل اروپا بود اما بطور واقعی قدرتگیری جریانات نئونازیست و راسیست منتهاست شروع شده است. صاحب نماینده شدن احزاب راسیستی

هالوکاستهای دیگر و در ابعادی به مراتب فاجعه بارتر را دارند. نشان داد نئونازیسم صرفاً از مهاجر، سیاه پوست، مسلمان و یهودی قربانی نمیگیرد. نشان داد فقط محلات مهاجر نشین، قبرستان یهودیان و مساجد مسلمانان نیست که مورد حمله راسیستها قرار میگیرد، نشان داد این فاشیسم امروز هم مانند اسلاف خود اولین قربانیان خود را ابتدا از میان کمونیستها، و هرچه خود را با کمونیسم و مارکسیسم تداعی کند، میگیرد. جرم قربانیان جوان و بی دفاع هالوکاست اوتابو چپ و کمونیست بودنشان و قتلگاه مدرسه تاپستانی سازمان جوانان حزبی که جامعه آنرا چپ میداند، بود.

با روشن شدن هویت سیاسی قاتل و اینکه وی بیش از ده سال عضو حزب نژادپرست "ترقی" (که در حال حاضر در نظرسنجی ها حدود ۲۰ درصد رای دارد) بوده، موج اظهار نگرانی از رشد "بیگانه ستیزی" و تقابل "بیگانه ستیزان" با مهاجرین و در درجه اول با مسلمانان مهاجر از طرف سران مرتجع دول غربی شروع شد. و البته در کنار آن اقداماتی در جهت هرچه بیشتر پلیسی کردن جامعه، افزایش کنترل پلیسی بر زندگی مردم تحت عنوان مقابله با "بیگانه ستیزی" در همه کشورهای اروپائی شروع شد.

سران دول ارتجاعی تلاش میکنند ابعاد خطر نئونازیسم را به ضدیت "مسیحیان افراطی" و "بیگانه پرستان" با مسلمانان و مهاجرین محدود کنند اما انتخاب محل و قربانیان به روشنی نشان از ضدیت راسیسم دولتی و غیر دولتی نه فقط با مسلمان و مهاجر بلکه با چپ، که تاریخاً مورد تعرض فارشیسم و

دخالت کرد و حساس بود. خود سران جمهوری اسلامی از بخشهای مختلفش فضا را داغ کرده اند و مسئله انتخابات را پیش کشیده اند. برای آنها مهم است. برای کارگر و مردم آزدیخواه هم مهم است. اما بحث بر سر چه جوری دخالت کردن است؟ سران جمهوری اسلامی و جناحها دارند بازارگرمی میکنند که گویا انتخاباتی هست و باید دود و در آن شرکت کرد. فضایی را دامن میزنند که به نفع "نظامشان" باشد. اینها دارند برنامه و پروژه خودشان را جلو میکشند تا آماده سازی کنند و افکار عمومی را مهندسی کنند، تا مردم در انتخابات شرکت کنند. در مقابل این تبلیغات و پروپاگانداها باید فعالین کمونیست و آزدیخواهان مبتکر ایجاد صف و فضای سیاسی اعتراضی دیگری باشند. از الان باید گفت ببینید

نژاد پرستی، راسیسم، فاشیسم، نئونازیسم، ابعاد و ظرفیت تروریستی آن شد. سوال اینکه چرا در نروژ که به جزیره صلح و آرامش پس از جنگ دوم معروف است چنین جنایتی با این درجه از سبعمت اتفاق می افتد، اینکه آیا این جنایتی از روی جنون فردی یک راسیست منفرد است و بالاخره اینکه آیا کشتار ۲۲ ژوئیه رعد و برق در آسمان بی ایر در نروژ بود؟ در ذهن هر کسی بوجود آمد. گزارش پلیس و اعترافات "برویک" مبنی بر ارتباط او با جریانات دست راستی در اروپا و بویژه در انگلیس، اعلام اینکه در این جنایت تنها نبوده و دوستانش در نروژ و سوئد آماده انجام کشتارهایی مشابه هستند، همگی حاکی از این واقعیت است که این قتل عام برنامه ریزی شده، سازمان یافته و در کمال خونسردی و حسابگرانه انجام گرفته است و انتخاب قربانیان اتفاقی نبود.

امروز سازمان یافتگی این جنایت، ابعاد راسیسم و فاشیسم در اروپا، زمینه های آن، راههای مقابله با آن نه فقط روی میز دول ارتجاعی غرب که روی میز تک تک شهروندان اروپا رفت. این بعد و ظرفیت جنایتکارانه از جریانات راسیستی برای مردم اروپا ناشناخته و غیر قابل لمس بود. برای مردم اروپا هالوکاست متعلق به تاریخ و فاشیسم هیتلری بود. ظاهراً دنیا از این تجربه تلخ درس گرفته و تکرار آن غیر ممکن بود. هالوکاست اوتابو این واقعیت تلخ را در برابر چشمان ناباور مردم نروژ و اروپا قرار داد که فاشیسم و نئونازیستها هنوز ظرفیت ایجاد

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## انتخابات مجلس نهم جدال در درون حاکمیت

آمال و آرزوهای این طبقه، راضی و ناراضی، منتقد و غیر منتقد، پوزیسیون و اپوزیسیون، امروز تماما به گرد شخص خامنه ای میچرخد.

همه چیز جلوه هایی است از بحران عمیق اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی، بحرانی که یک تجدید آرایش اساسی، هم در بالا و در میان مراکز قدرت و هم در پائین در صفوف بورژوازی، را سرعت در دستور کار بورژوازی ایران گذاشته است. از دل این بحران، قرار است جمهوری اسلامی مشکلات اقتصادی و بین المللی پیش پای سرمایه در ایران را، تخفیف و یا از پیش پا بردارد. مستقل از درجه واقع بینانه بودن یا نبودن پروژه دستجات مختلف حکومت در این راستا، نفس مضمون این تقلا، تقلا بورژوازی برای حل تناقضات و مشکلات حاکمیت اش، تحرکی ارتجاعی و تماما علیه منافع طبقه کارگر، زنان، جوانان و صف آزادیخواهی و برابری طلبی است. میدان جدال بر سر انتخابات، دعویایی در صفوف دشمنان مردم است، و کمترین فرجه آزادیخواهانه و ترفیخواهانه ای برای هیچ بخش از محرومین جامعه، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و برابری طلب، فراهم نمی کند.

این جدال با همه دسته بندیها، با همه تبلیغات و تیر و نشان کشیدن، با همه امیدها و نا امیدها، با همه قول و وعده ها، با همه دولت سازها و نقشه و پرچم عوض کردنها، بر محول مشترک حفظ حاکمیت بورژوازی، با حفظ نظام سرمایه داری و سیادت سیاسی این طبقه، و حفظ استثمار طبقه کارگر میچرخد. امروز و در دل کل جدالهای بورژوازی ایران، با پوزیسیون و اپوزیسیون چپ و راست آن، حفظ نظام، حفظ سیستم کار مزدی و سد

کردن هر گونه ابراز وجود مستقل طبقاتی طبقه کارگر، سد هر نوع ابراز وجود سوسیالیسم کارگری، اولویت اول همه بازیکنان، در این کارزار است.

در این میدان مقدم بر هر چیز مطالبات اساسی مردم، آزادی، رفاه، آزادی احزاب و آزادی زندانی سیاسی و حق تشکل، اعتصاب، بیمه بیکاری، حق کارگر، حق زن و امنیت سیاسی و فرهنگی جوانان، زیر دست و بال مشتت شیب سیاسی، زیر عبا یا شال و کلاه و کراوات صفی از تقاله ترین بازندگان جنگ های داخلی ارتجاع حاکم، است که لگ مال میشود.

الفاظ پوشالی و ژست های بیمایه جدید چون "طرح محاصره مدنی - راه حل سوم"، «رایحه خوش خدمت» و ادعای "نوگری دولت احمدی نژاد" و پروژه "اصالت قانونیت در مقابل اسلامیت"، و "بهبود رابطه بین المللی"، قرار است مسیر جدال و دسته بندیهای این دوره، مشتت تکیه زده بر دریایی از ثروت محصول کار طبقه کارگر، و محور های دوری و نزدیکی های محافل قدرت و سازمانده اختناق و سرکوب، را ترسیم کند.

دسته بندیهای جدید، "اصلاح طلبان برانداز" و "غیربرانداز"، "کمینه وحدت اصولگرایان"، "جریان حامی احمدی نژاد"، رفسنجانی طرفدار "حسن نیت رهبری"، شرکت خاتمی"، به شرط چاقوی "انتخابات آزاد" و لغو "جس ها و حصرها" و عشوه گری رئیس جمهوری پیشتر سوخته اصلاحات که کاری کنند تا "همگان در انتخابات شرکت کنند"، همه و همه تماما مشروط به الطاف ولی فقیه است. بساط جدال متعفن در بالا، خیل فرصت طلبان بی آینده و افق کور شده در اپوزیسیون را، برای رسیدن به نوایی در دل این بلبشو، به تکاپو انداخته است.

این جدالی در صفوف دشمنان مردم و طبقه کارگر است، برای تجدید آرایش خود در مدیریت بهره کشی و اختناق.

این مراسم از هر طرف بچرخد، هر بخش از پوزیسیون و یا اپوزیسیون این انتخابات به مرام خود برسد، در آن طبقه کارگر و صف آزادیخواهی و برابری طلبی، مورد تعرض قرار میگیرد. این مراسم تا لحظه کنونی، نه تنها کمترین فرصتی برای ابراز وجود طبقه کارگر، جوانان، زنان و مردم تشنه آزادی و برابری باز نکرده است، که در هر قدم و با هر ماتور و زورآزمایی کانونهای قدرت یا شخصیت ها و مراکز در کمین قدرت، فشار فقر و اختناق و سرکوب را هر روز گسترده تر میکند. میدان "انتخابات" و جدال جناحها و حواریون جناحها، میدان دخالت صف آزادیخواهی و برابری طلبی، و صحنه دخالت طبقه کارگر نیست.

این جدال تماما جدالی در بالا و برای تقسیم مجدد قدرت و ثروت بین کانونهای قدرت در صفوف بورژوازی در حاکمیت و خارج از حاکمیت است. حل و فصل معضلات سیاسی و اقتصادی و "تغییر" مدیریت بهره کشی و نحوه حفظ بساط سرکوب و اختناق و حفظ حاکمیت جمهوری اسلامی، تمام مضمون جدال درون حکومت است. حکومت در این دور تمام مهره های ذخیره، سوخته و نه سوخته خود را به میدان کشانده است.

در این میدان ولی فقیه، از مقام والای ولایت به زمین سخت مقام اجرایی حکومت نزول اجلال فرموده، "شال و کلاه کرده" به جلو صحنه تشریف فرما شده است، تا برای حل مشکل بیکاری ابلاغیه صادر کند و رشد بیشتر بخش خصوصی و بهبود مناسبات بین المللی را وعده دهد. ولی فقیه، در پوشش بالاترین مقام اجرایی، پا به میدان گذاشته است تا حواریون اصولگرا و اصلاح طلب و اپوزیسیون فرصت طلب چپ و راست طرفدار اسلام سبز و سیاه را، در صحنه به "نفع انتخابات" فعال نگاه دارد.

امروز هیچ کس نسبت به "برکات" تخصصات داخلی حکومت بر سر

انتخابات، در ایران متوهم نیست. هیچ انسان آزادیخواه و برابری طلبی، هیچ کارگر آگاه و پیشروی، هیچ زن و جوان معترضی نسبت به ماهیت جنگ در صفوف دشمنان متوهم نیست. آنچه که میتواند بار دیگر صفی از مردم متعرض را به زانده جنگ داخلی رژیم تبدیل کند و باز از آنها در دعوی بین دشمنانشان، قربانی بگیرد، نه ولی فقیه و احمدی نژاد و بساط تحمیق و سرکوب این بخش از ارتجاع، که تلاشها و تقلاهای اپوزیسیون آن، برای به میدان آوردن مردم به این جدال ارتجاعی است.

طبقه کارگر، رهبران و پیشروان کمونیست این طبقه، زن و جوان آزادیخواه، لازم است فعالانه کل پروسه بساط "انتخابات" را تعقیب و افشا و رسوا کنند و صدای متفاوت خود را به جامعه اعلام کنند. باید تلاش کنند که در دل این شرایط صف مستقل خود را حول خواسته های خود سازمان دهند. در مقابل تعرض ارتجاع حاکم برای پلیسی و مختنق تر کردن شرایط و در مقابل تعرض به معیشت خود، سد ببندد. و تلاش های اپوزیسیون فرصت طلب بورژوازی را که با وعده های پوچ و توخالی، تلاش میکند که طبقه کارگر و صف آزادیخواهی و برابری طلبی را پشت جبهه جدال داخلی و مراسم "انتخابات" ببرند، افشا کند.

طبقه کارگر در این میان، در مقابل تمام بخش ها و جناحهای بورژوازی باید سنگر مستقل خود را ببندد و خود را برای سرنوینی انقلابی جمهوری اسلامی، به نیروی طبقه کارگر متحد و متشکل، به نیروی جنبش کمونیستی طبقه کارگر، آماده کند.

### مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

حزب کمونیست کارگری ایران -  
حکمتیست

### ادامه جدال طبقاتی در مصر

را متحد و متشکل نکند، مادام ارگانهای اقتدار توده ای خود را سازمان ندهد و قادر به دفاع قاطع و سرسختانه از منافع خود در هر مصافی در مسیر انقلاب نباشد، سرنوشتی جز شکست و اجبار تن دادن به ادامه بردگی مزدی در انتظارش نخواهد بود. بورژوازی، هیچ بخش آن، در برابر کارگران انقلابی هیچ گشتی نشان نخواهد داد. طبقه کارگر میتواند رهبر تداوم انقلاب و تحول آن به انقلاب کارگری خود باشد ولی همچنین میتواند قربانی اهداف مبهم خود شود. باید به این دوراهی آگاه باشد.

کارگر تداوم انقلاب را با معیار انقلاب کارگری، و نه انقلاب علی العموم و هر انقلابی، بسنجند و بر این مینا بر پیشبرد آن پا بفشارند. اینکه هرچا یک تحول انقلابی و شرایط انقلابی و انقلاب درگیر شود، کارگران باید آگاه باشند که همه نیروها و احزاب بورژوازی در مقاطع حساس ادامه انقلاب لوله تفنگهایشان را به روی سینه و صفوف کارگران بر میگرددانند. و بالاخره اینکه طبقه کارگر انقلابی مادام صفوف خود

هفتگی  
کمونیست

### نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم